

بررسی عوامل محیطی مؤثر بر پیشگیری از سرقت منزل

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۸

سید علی عبادی نژاد^۱، محمد باهوش^۲

چکیده

مکان نقش بسیار مهم و انکار ناشدنی در وقوع یا پیشگیری از وقوع جرایم ایفا می کند. مجرمان، بیشتر مناطقی را برای ارتکاب جرم بر می گزینند، که وقوع جرم در آنها راحت تر بوده و امکان مشاهده و دستگیری آنان در آن مناطق کمتر باشد. هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل محیطی مؤثر بر پیشگیری از سرقت منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد است. روش اجرای تحقیق حاضر، توصیفی از نوع پیمایشی است و جامعه آماری تحقیق را کارکنان شاغل در کلانتری های سرکلانتری شرق مشهد تشکیل می دهند که به روش تمام شمار نمونه گیری انجام شده است. ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته است. یافته های پژوهش، رابطه معناداری را بین عوامل محیطی از قبیل واپایش و رؤیت، اختلاط کاربری اماکن، وضعیت روشنایی و همچنین شلوغی و خلوتی معابر و خیابان ها با وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مقدس نشان می دهند. نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که عوامل محیطی نقش بسزایی در وقوع سرقت منزل در محدوده مورد مطالعه ایفا می کنند. تقویت جنبه های گوناگون واپایش و نظارت می تواند در کاهش وقوع سرقت تأثیر قابل توجهی داشته باشد. کاربری و استفاده مختلط اماکن سبب افزایش تراکم جمعیت و تضعیف جنبه های نظارت و به تبع آن افزایش وقوع جرایمی همچون سرقت منزل می شود و در مقابل روشنایی خیابان ها موجب افزایش واپایش اجتماعی غیر رسمی و در نتیجه کاهش میزان جرایم می شود و نهایت آنکه جرم و جنایت در یک منطقه رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت در آن منطقه دارد.

کلید واژه ها

جرم، پیشگیری از جرم، سرقت منزل، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، مشهد.

۱- استادیار جغرافیای دانشگاه علوم انتظامی
۲- کارشناس ارشد انتظامی دانشگاه علوم انتظامی

آمار جرایم ارتكابی در محیط‌های گوناگون، بیانگر این امر است که مجرمان در ارتكاب عمل مجرمانه خویش، اغلب دارای انتخابی عقلانی بوده و فرصت‌های مناسب و کم خطر را برای انجام جرم انتخاب می‌کنند. بنابراین مجرمان بیشتر مناطقی را برای ارتكاب جرم برمی‌گزینند، که وقوع جرم در آنها راحت‌تر بوده و امکان مشاهده و دستگیری آنان در آن مناطق کمتر باشد. این مسئله نشان‌دهنده ضرورت شناخت مکان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد فرصت‌های جرم‌زا یا تسهیل‌کننده وقوع آن است. از این رو، می‌توان با تغییر شرایط جرم‌زای محیطی و فیزیکی و ایجاد یا تقویت فضاهای قابل دفاع و مقاوم در برابر جرم و مجرمان به میزان قابل توجهی از وقوع جرایم و ناهنجاری‌های موجود در شهرها کاست (رحمت، ۱۳۸۸: ۱۴).

از سوی دیگر سرقت، به عنوان یکی از جرایم علیه اموال و مالکیت، از آغاز پیدایش مالکیت خصوصی در جوامع گوناگون وجود داشته است. از آنجا که سرقت در مقایسه با برخی از جرایم مانند کلاهبرداری و جعل، نیاز به ضریب هوشی چندان بالا و مهارت ویژه ندارد، از سنین کودکی که کودک مفهوم مالکیت، ماهیت و ارزش اشیا را درک می‌کند، تا سنین پیری قابل ارتكاب است. از طرف دیگر، از این جرم در تمامی ادوار حیات بشری به زشتی و تنفر یاد شده و برای آن مجازات‌های سنگین چه از طرف مردم و جامعه به ویژه در جوامع بدوی که قانون مدونی وجود نداشته و چه در جوامع امروزی توسط قانون‌گذار در نظر گرفته شده است. امروزه بخش عمده‌ای از فعالیت بزهکاران در کشورهای گوناگون و همچنین در کشور ما به این بزه اختصاص یافته است (بوسار، ۱۳۷۵: ۳۱).

با این وصف، برای پیشگیری از وقوع سرقت و مقابله با سارقان باید همگام با پیشرفت و تغییر روش‌های ارتكاب جرم و سرقت، راهکارهای پیشگیرانه نیز به روز شده و نه تنها با پیشرفت جرایم همگام شود بلکه از آن فراتر رفته تا به راحتی بتواند بر تمامی ابعاد آن احاطه و تسلط یابد. بنابراین نیروی انتظامی به عنوان متولی اصلی نظم و امنیت اجتماعی و نوک پیکان مقابله و پیشگیری از جرایم، می‌بایست به آخرین یافته‌ها و دستاوردهای علمی و عملی در زمینه جرم‌یابی و پیشگیری از جرم دسترسی

داشته و از آنها در جهت انجام هر چه بهتر مأموریت‌های خود بهره‌گیری کند. یکی از روش‌های پیشگیرانه که در چند دهه گذشته در کشورهای توسعه یافته و در چند ساله اخیر نیز در کشور ما مورد توجه قرار گرفته است، پیشگیری محیطی از جرم است. این نوع از پیشگیری بر عوامل محیط فیزیکی مؤثر بر وقوع جرم یا به عبارتی تسهیل کننده جرم تمرکز داشته و درصدد است، تا با شناسایی و بهینه سازی آن دسته از عواملی که ناخواسته به نفع جرم و بزهکاری طراحی و ایجاد شده اند، زمینه ارتکاب جرم را کاهش داده و مجرمان بالقوه را از ارتکاب عمل مجرمانه بازدارد. بنابراین در این تحقیق سعی بر این است، که عوامل محیطی تأثیر گذار بر وقوع جرایم به ویژه سرقت از منزل در حوزه سرکلانتری شرق مشهد شناسایی و با سود جستن از آنها، راهکارهایی مؤثر در جهت پیشگیری از این جرم ارائه شود.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناسایی و تبیین عوامل محیطی مؤثر بر پیشگیری از جرم سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد است.

اهداف فرعی این تحقیق نیز عبارت انداز:

- ۱- آشنایی با پیشگیری محیطی: اهداف، برنامه‌ها و روش‌های علمی و اجرایی این شیوه از پیشگیری، جهت بهره‌گیری هر چه بیشتر از این روش در سیاست‌های پیشگیرانه سازمانی، ملی و به ویژه منطقه ای از جرم.
- ۲- اولویت بندی عوامل محیطی مؤثر بر سرقت منزل به منظور ارائه راهکارهای پیشگیرانه مؤثر.
- ۳- کاهش وقوع سرقت از منزل و ارتقای امنیت در محدوده سرکلانتری شرق مشهد.

پیشینه تحقیق

وود^۱ (۱۹۶۱) مطالعات خود را بر روی محیط‌های اجتماعی و فیزیکی در ایالات متحده آمریکا متمرکز کرد. او اندیشه‌های خود را بر بهبود فیزیکی در طراحی فضاهای همگانی و نیمه همگانی متمرکز و راه‌حلهایی برای کاهش میزان ارتکاب جرایم از طریق افزایش رؤیت پذیری و واپایش مانند طراحی زمین‌های بازی کودکان به گونه‌ای که از منازل پیرامون آن قابل رؤیت و مشاهده باشند، ارائه کرد.

جاکوپز^۲ (۱۹۶۱) در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا به مسئله امنیت و عوامل بازدارنده فضایی و کالبدی شهرها و محلات از ناهنجاری‌ها اشاره می‌کند. هدف وی اساساً شناخت نظم پنهان شهر، چگونگی عمل و ساز و کارهای عوامل تشکیل دهنده شهر مانند خیابان‌ها، بوستان‌ها، محله و پیاده‌روها در جهت تأمین امنیت، ارتباط و تعامل و ایجاد محیطی عاطفی بین مردم، معرفی عوامل تهدید کننده نظم و امنیت، کنش متقابل اجتماعی و ارتباط و همانند سازی و جامعه پذیری کودکان در محلات از یک سو و از سوی دیگر بستر کالبدی آن شامل پیاده‌روها، خیابان‌ها، بوستان‌های محلی، بلوک‌ها، ساختمان‌ها و محله در ابعاد خیابانی، منطقه‌ای و کل شهر و اصل ارتباط خیابان‌ها و شهر استوار است.

نیومن^۳ (۱۹۷۲)، در کتاب فضاهای قابل دفاع به چارچوب کالبدی و محیطی یک محله خوب و امن، که در آن ساکنان قادر باشند محیط اطراف خانه‌هایشان را که شامل خیابان‌ها و فضاهای باز اطراف ساختمان‌ها و همچنین فضاهای داخلی از قبیل لابی، راهروها و پله‌ها ست را به راحتی واپایش کنند، تمرکز داشته و عوامل بازدارنده محیطی را مورد اشاره قرار می‌دهد. همچنین نیومن در این کتاب، روش‌هایی برای طراحی مناطق و منازل ارائه کرده تا با بهره‌گیری از آنها، ساکنان بتوانند از محیطی که به آنان تعلق داشته، محافظت کنند. نظریه‌های نیومن بر تقویت احساس تعلق مردم و خودیاری و مشارکت آنان در ایجاد محیط‌های امن برای خود و دیگران تکیه دارد، زیرا حساسیت ساکنان به مسائل موجود در محیط پیرامون محل سکونتشان می‌تواند در

1- Wood
2- Jacobs
3- Newman

کاهش میزان جرایم تأثیر گذار باشد. وی اظهار می کند که الگوهای متفاوت یک ساختمان و بافت پیرامونی آن، تأثیر بسزایی در میزان توانایی ساکنان در واپایش محیط و در نتیجه واپایش و مهار جرم و بزهکاری خواهد داشت.

بهربر و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در مدارس، ابتدا به تأثیر جرم و خشونت بر امنیت روانی و فیزیکی دانش آموزان پرداخته اند و اثر بخش ترین اقدامات را برای پیشگیری از وقوع جرم در مدارس، اقدام‌های عاطفی از قبیل آموزش و الگو سازی رفتارهای بهنجار اجتماعی و مقابله مؤثر با زمینه‌های بروز رفتارهای ضد اجتماعی و خشونت، به جای اقدامات فیزیکی همچون تنبیه می دانند.

پورجعفر و همکاران (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد^۱ پیشگیری از جرم از طریق شناسایی مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقای آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی برنامه‌ریزان و تئوری پردازان شهری می پردازند.

در این تحقیق محققان به نقش کالبدی شهر و برنامه ریزی و طراحی شهرها، در کاهش و پیشگیری از جرایم شهری در رویکرد طراحی محیطی اشاره کرده و بیان می‌دارند که پرداختن به این امر از آن جهت دارای اهمیت است که امروزه در فرایندهای طراحی فضاهای شهری کمتر به قابلیت بالقوه مناطق شهری و ساختمان‌ها در کاهش یا جلوگیری از جرایم توجه می شود. نتایج این پژوهش بر پایه اسناد تحلیلی و تجارب کاربردی، نشان از آن دارد که می توان از طریق طراحی مناسب شهری از میزان وقوع جرایم در شهرها کاست.

میرخلیلی (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان «توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری» پیشگیری وضعی از جرم را یکی از شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری دانسته به گونه ای که با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه‌های نظارت و واپایش، می توان به کاهش آمار جرم دست یافت. محقق بیان می دارد که بخشی از راهبردهای

پیشگیری وضعی بر تغییرات محیطی، بخشی نیز بر واپایش بزهکاران و قسمتی دیگر بر حفاظت و حمایت از بزه دیدگان تمرکز یافته است.

این مقاله به استفاده از روش‌های تغییر محیط فیزیکی، شامل تحت واپایش درآوردن موقعیت‌های مکانی و زمانی جرم زاء، اختصاص دارد؛ زیرا با بررسی موقعیت‌ها و شرایطی که در شهرها ناخواسته به نفع بزهکاران و بزهکاری ایجاد گردیده است و از بین بردن این موقعیت‌ها می‌توان زمینه وقوع و ارتکاب جرایم را کاهش داد.

محقق در این مقاله ویژگی‌های خاص جوامع شهری مانند تراکم جمعیت و کاهش نظارت، شیوه‌های معماری و شهرسازی و سیاست مسکن و تأثیر آنها را، بر موقعیت‌های مکانی جرم زاء مورد توجه قرار داده است.

شرافتی پور و عبدی (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» ابتدا به ضعف و ناتوانی سیاست‌های پیشگیرانه صرفاً کیفری برای مقابله با جرایم و بزهکاری اشاره کرده و پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیطی را یکی از رویکردهای غیر کیفری در حوزه پیشگیری از جرم معرفی می‌کند. محققان بیان می‌دارند که در هر رویکرد پیشگیری می‌بایست سه عامل نوع جرم، مجرم و محیط فیزیکی-اجتماعی، مورد توجه قرار گیرد که تحقیق با تأکید بر بعد سوم یعنی همان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی نگاشته شده است.

قورچی بیگی (۱۳۸۶)، در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط مصنوع را منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه و ترس از جرم و همچنین بهبود کیفیت زندگی می‌داند، و این تئوری را بر این اندیشه استوار می‌داند که رفتار انسانی در محیط‌های شهری متأثر از طراحی و ویژگی‌های آن محیط است، از همین رو، با بهینه سازی فرصت‌های واپایش و نظارت، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط، می‌توان مجرمان بالقوه را از ارتکاب جرم دلسرد و منصرف کرد.

نجابتی (۱۳۷۹)، در مقاله ای با عنوان «نقش طراحی صحیح واحدهای مسکونی در پیشگیری از وقوع جرم» ابتدا به بیان اهمیت پیشگیری‌های جدید از جمله

پیشگیری‌های محیطی پرداخته و بیان می‌دارد که در سال‌های اخیر جوامع پیشرفته، قابلیت‌های کاهش وقوع جرم و توسعه امنیت اجتماعی را از طریق طراحی صحیح واحدهای مسکونی مورد توجه قرار داده و به منظور هدایت معماران و شهرسازان، راهنمایی‌هایی ارائه کرده‌اند تا آنها در روند ساخت و ساز واحدهای مسکونی مد نظر قرار دهند.

شایسته زرین (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهریار با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی» به بررسی جرم سرقت در بخش مرکزی شهریار پرداخته و نتیجه می‌گیرد که دو کانون جرم سرقت در شهر مذکور وجود دارد که کانون اصلی در محدوده مرکز و کانون فرعی در شهرک اداری واقع شده است. وی همچنین متذکر می‌شود که بین مکان و زمان به عنوان متغیرهای جغرافیایی با وقوع جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۱: نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که به وسیله جفری^۲ ابداع و تنظیم شده است بیان می‌دارد که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرایم ارتكابی در محیط ساخته شده پیشگیری کرد که این فرایند و روش، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی نامیده می‌شود (کراو^۳، ۲۰۰۰: ۴۶). این نظریه هدف و تمرکز خود را بر محیط مصنوع یا به عبارتی محیط ساخته شده دست بشر و جرایم مرتبط و شایع در مناطق مسکونی مانند، تخریب و سرقت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند موجب بهبود یا تقویت جنبه‌های واپایش و نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند زمینه پیدایش و شکل‌گیری

1 - Crime Prevention Thought Environmental Design (cpted)

2- Jefry

3- Crow

فرصت‌های مجرمانه کاهش خواهد یافت و در نتیجه مجرمان از ارتکاب جرم باز خواهند ماند (کوزنس^۱ و همکاران، ۲۰۰۵).

نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود. به عبارت دیگر، طراحی مناسب و استفاده درست از محیط می‌تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشد و ترس از جرم را کاهش دهد (کراو، ۲۰۰۰: ۴۶).

نظریه فضای قابل دفاع^۲: نیوم (۱۹۷۳) در نظریه خود با عنوان فضای قابل دفاع بر این نکته تأکید داشت که طراحی و شکل فیزیکی با جرم ارتباط معناداری دارد. اصطلاح فضای قابل دفاع بیان‌کننده نوعی از فضا و محیط است که در آن طراحی به نحوی انجام پذیرفته است که به ساکنان، به عنوان فردی مسئول در محله، اجازه می‌دهد و حتی آنها را تشویق می‌کند که اولاً دیده شوند و ثانیاً دیگران را ببینند و بر اعمال و رفتار آنها نیز نظارت داشته باشند (مای هیو^۳، ۱۹۸۶: ۱۹).

فضای قابل دفاع موجب تقویت دو نوع از رفتارهای اجتماعی می‌شود: قلمرو گرایی و نظارت طبیعی. هدف نظریه فضای قابل دفاع این است که حس خفته قلمرو گرایی را در ساکنان محله بیدار کند، به گونه‌ای که این خصیصه تبدیل به مسئولیتی برای ساکنان در جهت تبدیل محله به فضایی امن برای ساکنان آن شود. بنابه نظر نیومن، فضای قابل دفاع شامل دو جزء است: اول، فضای قابل دفاع که به ساکنان این اجازه را می‌دهد که دیده شوند و قابلیت دیده شدن را داشته باشند. این مسئله موجب کاهش ترس ساکنان خواهد شد، زیرا آنها اطمینان حاصل می‌کنند که مجرمان بالقوه به راحتی قابل تشخیص و مشاهده و در نتیجه قابل دستگیری می‌باشند. دوم، مردم باید به هنگامی که جرمی رخ می‌دهد به گزارش دادن آن جرم یا دخالت کردن در آن تمایل داشته باشند (خوش نمک، ۱۳۸۰: ۹۲).

1- Cozens and etal
2- Defensible space
3 - Mayhew

فعالیت‌های نیومن تلاشی در جهت کاهش ارتکاب جرم و ترس ناشی از آن، از طریق کاهش فرصت ارتکاب جرم و تقویت تعامل اجتماعی مثبت در میان ساکنان است. مناطقی که در آنها فضای قابل دفاع وجود ندارد یا کمتر است در برابر جرم آسیب پذیرتر تلقی می‌شوند و حس مالکیت در ساکنان ضعیف است. در مناطق کوچک تر، فضای قابل دفاع، اثر بخشی واپایش غیر رسمی را افزایش داده و در نتیجه احتمال وقوع جرم کمتر خواهد بود (موری، ۱۹۹۴: ۳۵۱).

نظریه پنجره‌های شکسته: این نظریه که در سال ۱۹۸۲ توسط ویلسون^۱ و کلینگ^۲ مطرح شد، بیان می‌دارد که زوال محله و عدم نگهداری از آن می‌تواند بر رفتار افراد تأثیر گذار باشد. در این نظریه رفتارهای ناهنجار، به ترس از جرم، احتمال وقوع جرائم جدی و به هم ریختگی محله‌های شهری مرتبط می‌شوند. از این نظریه به عنوان نمونه ای برای اهمیت دیدگاه‌های اجتماعی در سیاست گذاری‌ها استفاده می‌شود.

ویلسون و کلینگ بهترین روش برای مقابله با جرائم را از بین بردن و پیشگیری از به هم ریختگی می‌دانند. آنها از مثال پنجره شکسته استفاده کردند تا نشان دهند که چگونه یک محله در صورت عدم رسیدگی به آن دچار انحطاط می‌شود؛ اگر پنجره‌های یک ساختمان شکسته باشد، افراد عابر احساس می‌کنند که کسی در آن ساختمان وجود ندارد و به آن رسیدگی نمی‌کند؛ جوان‌ها به پرتاب سنگ به سایر پنجره‌های آن ساختمان می‌پردازند؛ افراد عابر احساس می‌کنند به تمام آن خیابان رسیدگی نمی‌شود؛ قاچاقی‌های مواد مخدر، روسپی‌ها و امثال آنها به این خیابان جذب می‌شوند؛ سرانجام یک نفر در این خیابان به قتل می‌رسد. به این ترتیب، یک ناهنجاری کوچک منجر به ناهنجاری‌های بزرگ تر و جرم‌های جدی می‌شود.

1- Wilson
2- Kelling

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- وجود فضاهای قابل رؤیت و واپایش در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مؤثر است.
- ۲- استفاده (کاربری) مختلط از اماکن مسکونی، تجاری و اداری در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مؤثر است.
- ۳- میزان روشنایی و نور معابر و خیابان‌ها در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مؤثر است.
- ۴- شلوغی و خلوتی معابر و خیابان‌ها در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مؤثر است.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه کارکنان کلانتری‌های سرکلانتری شرق مشهد که بر حسب مأموریت‌های محوله سازمانی با جرم سرقت از منزل در ارتباط می‌باشند، تشکیل می‌دهد. با توجه به محدود بودن جامعه آماری از روش سرشماری به عنوان روش نمونه‌گیری استفاده شد. ابزار سنجش، پرسش‌نامه محقق ساخته با پایایی ۰.۷۱ است که با استفاده از آلفای کرونباخ و نرم افزار^۱ spss به دست آمده است.

یافته‌ها

الف) توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی: در این بخش با بهره‌گیری از روش‌های آمار توصیفی و جداول توزیع فراوانی به بررسی صفات و ویژگی‌های نمونه آماری مورد مطالعه پرداخته می‌شود و ویژگی‌هایی همچون درجه، سن، سابقه خدمت، میزان تحصیلات و میزان سابقه در پرونده‌های سرقت که در هفت سؤال اولیه

1- Statistical package for the social sciences

پرسش نامه گنجانده شده، مورد سنجش قرار گرفته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

• **توزیع فراوانی بر حسب میزان سن پاسخ دهندگان:** در میان ۸۰ نفر نمونه تعیین شده، بالاترین فراوانی با تعداد ۳۳ نفر مربوط به رده سنی بین ۲۵-۳۱ سال و کمترین فراوانی مربوط به رده‌های سنی کمتر از ۲۵ سال و بالاتر از ۴۵ سال، هر کدام با فراوانی ۸ نفر در کل نمونه آماری می‌باشند.

• **توزیع فراوانی بر حسب میزان تحصیلات پاسخ دهندگان:** کارکنان دارای مدرک دیپلم و کارشناسی ارشد به ترتیب با فراوانی ۲۷ و ۲ نفر کمترین و بیشترین فراوانی را دارا بوده‌اند. همچنین تعداد ۴۰ نفر از پاسخ‌گویان یعنی ۵۰ درصد نمونه آماری مورد مطالعه دارای مدرک کاردانی و کارشناسی بوده‌اند.

• **توزیع فراوانی بر حسب درجه پاسخ دهندگان:** از تعداد ۸۰ نفر نمونه آماری تعیین شده، تعداد ۱۱ نفر افسر ارشد، ۴۱ نفر افسر جزء و ۲۸ نفر کارکنان درجه دار شاغل در کلانتری‌های مورد مطالعه بوده‌اند.

• **توزیع فراوانی بر حسب میزان سابقه خدمت پاسخ دهندگان:** از بین نمونه آماری ۸۰ نفر، بیشترین فراوانی مربوط به سابقه خدمتی بین ۱۵-۱۱ سال با ۲۱ نفر و کمترین فراوانی با ۹ نفر مربوط به گروه ۳۰-۲۶ سال است. همچنین تعداد ۵۰ نفر، معادل ۶۲/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای سابقه خدمتی بیشتر از ۱۰ سال بوده که سابقه قابل قبولی برای پاسخ‌گویی به سؤالات محسوب می‌شود.

• **توزیع فراوانی پاسخ دهندگان بر حسب میزان سابقه خدمت مرتبط با پرونده‌های سرقت:** تعداد ۳۱ نفر از کل نمونه آماری با کمتر از ۵ سال سابقه خدمت مرتبط با سرقت بیشترین فراوانی و کارکنان دارای سابقه خدمتی مرتبط با سرقت بین ۲۰-۱۶ و ۲۵-۲۱ سال هر کدام با ۶ نفر کمترین فراوانی را دارا می‌باشند. همچنین ۶۱ درصد از پاسخ‌گویان بیشتر از ۶ سال سابقه خدمت مرتبط با پرونده‌های سرقت داشته که بیانگر سابقه قابل قبولی برای پاسخ‌گویی به سؤال‌هاست.

ب) ارزیابی فرضیه‌های تحقیق: با توجه به پاسخ‌های داده شده به عوامل هفت‌گانه این فرضیه و نتیجه آزمون آماری تی (T) به دست آمده که در آن سطح معناداری که با sig نمایش داده می‌شود، ۰/۰۰۱ و از درصد خطای در نظر گرفته شده برای آزمون که با α نمایش داده می‌شود کمتر است ($sig < \alpha$)، لذا می‌توان نتیجه گرفت که فرض مطرح شده که با H_1 نمایش داده می‌شود تأیید و فرض مقابل یعنی H_0 رد می‌شود. به عبارت دیگر، فرضیه شماره یک تحقیق با عنوان «وجود فضاهای قابل رؤیت و واپایش در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مؤثر است» با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۱: تأثیر فضاهای قابل رؤیت و واپایش بر وقوع جرم سرقت

سطح معناداری (sig)	آماره آزمون (T)	درجه آزادی (df)	سطح خطا (α)	میانگین جامعه
۰۰۰۱	۲۳۲۰۱	۷۹	۰۰۰۵	۴۱۰

تحقیقات گوناگونی در خصوص بررسی تأثیر نظارت و واپایش بر پیشگیری از وقوع جرایم انجام شده است که همگی حاکی از آن است که جنبه‌های مختلف نظارت شامل نظارت رسمی (توسط نیروهای انتظامی)، غیر رسمی و طبیعی (توسط عموم مردم و جامعه)، می‌تواند در کاهش وقوع سرقت تأثیر قابل توجهی داشته باشد؛ برای مثال نتایج تحقیقاتی که در زمینه نقش نظارت و واپایش، توسط پوینر^۱ (۱۹۹۱) و لایکوک^۲ (۱۹۹۲) انجام شده است بیانگر آن است که حضور و نقش افرادی مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان که برای انجام این کار گمارده شده‌اند، تأثیر بسزایی در کاهش جرایم به ویژه سرقت خودرو داشته است.

تحقیقاتی دیگر که توسط جفری^۳ وهانتر^۴ (۱۹۹۷) انجام شده است حاکی از آن است که در مغازه و فروشگاه‌هایی که بیش از یک نفر به عنوان فروشنده حضور داشته و یکی از آنها بر مشتریان نظارت می‌کرده است، سرقت‌های کمتری گزارش شده است.

1- poyner
2 - Laycock
3 - Jeffrey
4 -Hunter

همچنین تحقیقاتی که اخیراً در انگلستان توسط ولش^۱ و فارینگتون^۲ در خصوص تأثیر دوربین‌های مدار بسته در پیشگیری از جرم انجام شده است، حاکی از تأثیر نظارت از طریق به کارگیری تجهیزات مکانیکی مانند دوربین مدار بسته و کاهش قابل توجه میزان وقوع جرایم در سرتاسر انگلستان می باشد. در مورد جرایم مرتبط با وسایل نقلیه، نصب دوربین مدار بسته موجب کاهش چشمگیری در میزان این دسته از جرایم شده است، اما در مورد جرایم خشونت آمیز نصب دوربین مدار بسته تأثیر چندانی در کاهش این گونه از جرایم ندارد.

همچنین در تحقیقی دیگر در استرالیا، ویلسون^۳ و استون^۴ به بررسی نقش دوربین‌های مدار بسته نصب شده در خیابان‌ها در کاهش میزان جرایم ارتكابی پرداخته اند و بر نقش مثبت دوربین‌های مدار بسته در واپایش جرم و بزهکاری تأکید داشته اند. بنابراین با توجه به تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است. می توان گفت به طور کلی دوربین‌های مدار بسته نقش مثبتی در کاهش میزان جرایم دارد اگر چه ممکن است این تأثیر در برخی از جرایم بسیار پررنگ و در برخی از جرایم کم رنگ تر باشد. پس می توان نتیجه گرفت که نظارت به هر طریقی که انجام پذیرد می تواند در کاهش فعالیت‌های مجرمانه مؤثر واقع شود. تمامی تحقیقات پیش گفته با نتایج فرضیه اول تحقیق هم سو است:

جدول ۲: تأثیر استفاده مختلط از اماکن مسکونی، تجاری و اداری در وقوع جرم سرقت

سطح معنا داری (sig)	آماره آزمون (T)	درجه آزادی (df)	سطح خطا (α)	میانگین جامعه
۰/۰۰۱	۱۲/۰۷	۷۹	۰/۰۵	۳/۶۹

با توجه به پاسخ‌های داده شده به چهار عامل مورد سنجش در این فرضیه و نتیجه آزمون آماری تی (T) به دست آمده که در آن سطح معنا داری ($\text{sig}=۰.۰۰۱$)، از درصد خطای در نظر گرفته شده برای آزمون ($\alpha=۰.۰۵$) کمتر است ($\text{sig}<\alpha$)، لذا می توان نتیجه گرفت که فرض مطرح گردیده (H1) با اطمینان ۹۵ درصد تأیید و

1 -Welsh
2 - Farrington
3 - Wilson
4 -Aston

فرض مقابل یعنی H_0 با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌گردد؛ به عبارت دیگر فرضیه شماره دو تحقیق با عنوان «استفاده مختلط از اماکن مسکونی، تجاری و اداری در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مؤثر است» تأیید می‌شود.

در باب تأثیر کاربری مختلط اماکن دو نظریه مطرح است: اول اینکه، تنوع استفاده و کاربری اماکن یا به عبارتی طراحی و ساخت اماکن تجاری یا اداری در کنار اماکن مسکونی، افراد را از خانه‌ها به خیابان‌ها می‌آورد و با افزایش حضور مردم در خیابان‌ها فرصت‌های نظارت و مراقبت عمومی نیز افزایش می‌یابد؛ دوم اینکه استفاده و کاربری مختلط اماکن با افزایش تعداد کاربران و استفاده کنندگان از یک فضا سبب تضعیف جنبه‌های نظارتی می‌شود، زیرا افزایش تردها و تعاملات در یک محدوده فضایی از یک طرف حساسیت‌های امنیتی را در جهت پیشگیری از جرایم به مرور زمان کاهش داده یا به علت بالا رفتن حجم تعاملات و رفت و آمدها امکان نظارت و واپایش مؤثر افراد را به سبب محدودیت‌های جسمانی و ذهنی که انسان داراست، کاهش می‌دهد. نتایج تحقیق حاضر با فرض دوم هم خوانی دارد؛ یعنی کاربری و استفاده مختلط اماکن سبب افزایش تراکم جمعیت و تضعیف جنبه‌های نظارت و به تبع آن افزایش وقوع جرایمی همچون سرقت منزل می‌شود.

نتایج تحقیقی دیگر در این زمینه، حاکی از آن است که ساخت مجتمع‌های تجاری در یک محل و استفاده از شب‌گرد و نگهبان، ضریب حفاظت و امنیت آن اماکن را افزایش می‌دهد (هاتفی اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

شاید بتوان تفاوت حاصل در نتایج تحقیقات انجام شده در خصوص تأثیر اختلاط کاربری اماکن را به تفاوت‌های فرهنگی در محیط‌های گوناگون شهری نسبت داد.

جدول ۳: تأثیر روشنایی و نور معابر و خیابان در وقوع جرم سرقت

میانگین جامعه	سطح معنا داری (sig)	آماره آزمون (T)	درجه آزادی (df)	سطح خطا (α)
۴۰۴	۰۰۰۱	۱۴۹۳۶	۷۹	۰۰۵

با توجه به پاسخ‌های داده شده توسط نمونه آماری مورد مطالعه تحقیق به چهار عامل مورد سنجش در این فرضیه و نتیجه آزمون آماری تی (T) به دست آمده که در آن سطح معنا داری ($\text{sig}=0.001$)، از درصد خطای در نظر گرفته شده برای آزمون

($\alpha=0.05$) کمتر است ($\text{sig}<\alpha$)، لذا می توان نتیجه گرفت که فرض مطرح شده (H_1) با اطمینان ۹۵ درصد تأیید و فرض مقابل یعنی H_0 رد می گردد؛ به عبارت دیگر، فرضیه تحقیق با عنوان «میزان روشنایی و نور معابر و خیابان‌ها در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتری شرق مشهد مؤثر است» تأیید می شود.

روشنایی تأثیر انکارناپذیری در پیشگیری از جرم دارد. روشنایی به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می کند که واضح تر ببینند و دیده شوند. همچنین مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می کند، زیرا رؤیت پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر مردم برای حضور در خیابان‌ها و افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان می‌شود. تحقیقات زیادی به تأثیر این عامل در پیشگیری از جرایم پرداخته اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین که توسط محققان داخلی و خارجی صورت پذیرفته است، هم خوانی دارد؛ از جمله در جدیدترین بررسی و پژوهشی که درباره وضعیت روشنایی و نور بر وقوع جرایم توسط ولش^۱ و فارینگتون^۲ با بررسی تحقیقات انجام شده در آمریکا و انگلستان صورت پذیرفته است، نشان دهنده آن است که بهبود روشنایی در خیابان‌ها موجب کاهش هفت درصدی جرایم در هشت مطالعه انجام شده در آمریکا شده است و در پنج مطالعه انجام شده در انگلستان نیز کاهش ۳۰ درصدی جرایم گزارش شده است.

محققان اظهار می دارند که روشنایی خیابان‌ها و بهبود آن، موجب افزایش واپایش اجتماعی غیر رسمی و در نتیجه کاهش میزان جرایم می شود.

همچنین یافته‌ها و نتایج پژوهشی که در همین زمینه توسط پوینر و وب^۳ انجام شده است حاکی از آن است که تأثیر روشنایی بر کاهش جرایم ۲۰ درصد بوده است که رقم در خور توجهی می باشد.

1- Welsh
2 - Farrington
3 - Webb

جدول ۴: تأثیر شلوغی و خلوتی معابر و خیابان در وقوع جرم سرقت

سطح خطا (α)	درجه آزادی (df)	آماره آزمون (T)	سطح معنا داری (sig)	میانگین جامعه
۰.۰۵	۷۹	۲۳۶۵۹	۰.۰۰۱	۴.۴۶

با توجه به پاسخ‌های داده شده توسط نمونه آماری مورد مطالعه تحقیق به چهار عامل مورد سنجش در این فرضیه و نتیجه آزمون آماری تی (T) به دست آمده که در آن سطح معنا داری ($\text{sig}=0.001$)، از درصد خطای در نظر گرفته شده برای آزمون ($\alpha=0.05$) کمتر است ($\text{sig}<\alpha$)، لذا می‌توان نتیجه گرفت که فرض مطرح شده (H_1) با اطمینان ۹۵ درصد تأیید و فرض مقابل یعنی H_0 رد می‌شود. به عبارت دیگر، فرضیه تحقیق با عنوان «شلوغی و خلوتی معابر و خیابان‌ها در وقوع سرقت از منزل در محدوده سرکلانتی شرق مشهد مؤثر است» تأیید می‌شود.

طبق نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت، جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. یافته‌های آنجل^۱ (۱۹۶۸) در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا، ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات کرده است. این تحقیق نشان داد که تراکم فعالیت افراد در خیابان‌های شهر، باعث افزایش جرم می‌شود. همچنین یافته‌های تحقیقات میدانی بوئر و روفر بیانگر آن است که یکی از عوامل بزهکاری در شهرها، تراکم بالای جمعیت در محله‌های با وسعت بسیار کم است و نوجوانان بزهکار به طور نسبی از مجتمع‌های مسکونی و خانه‌هایی با مساحت کم بوده‌اند.

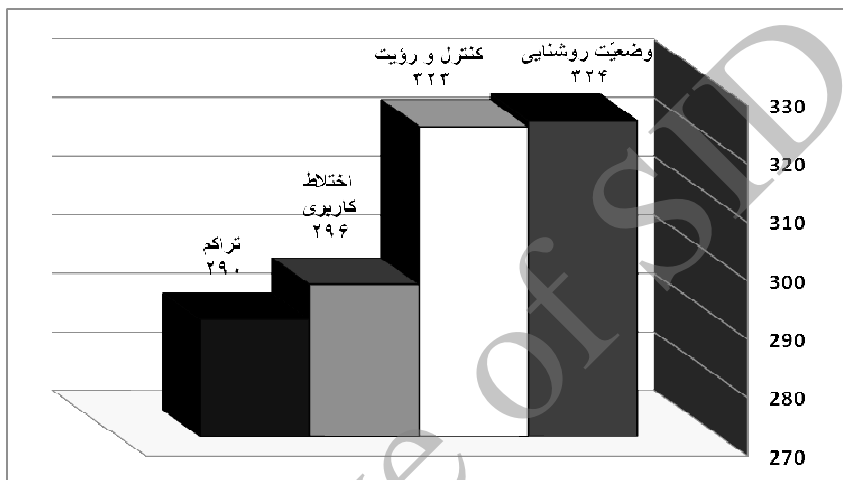
میزان تراکم جمعیتی در هر محیطی بنا به وضعیت آن محیط باید لحاظ شود. هر چند تراکم جمعیتی اندک به علت تضعیف جنبه‌های نظارت می‌تواند مشکل ساز باشد، با این همه، تراکم جمعیتی بالا و کاهش ظرفیت‌های نظارتی انسان و کمبود تجهیزات متناسب با آن نیز می‌تواند در یک محیط مشکل ساز باشد، مگر اینکه رابطه‌ای منطقی میان وضعیت ساختمان از نظر تراکم ساختمانی و جمعیتی و تجهیزات نظارتی برقرار شده باشد؛ حال آنکه مشاهده می‌شود اغلب ساخت و سازهای شهری و افزایش تراکم ساختمان‌های مسکونی در بافت‌های فرسوده شهر بدون در نظر

1- Angel

گرفتن گنجایش و ظرفیت شهری از قبیل خیابان‌ها و فضاهای تفریحی منطقه صورت می‌گیرد.

۱۲۱

با این توصیف نتایج تحقیق حاضر در خصوص تأثیر تراکم بر وقوع سرقت از منزل در محدوده مکانی تحقیق، غالباً با نتایج حاصل از تحقیقات پیشین منطبق است.



نمودار ۱: عوامل محیطی مؤثر بر جرم سرقت

از تقسیم مجموع ارزش کسب شده برای هر فرضیه بر تعداد عوامل مطرح شده مرتبط با آن، ارزش واقعی کسب شده برای آن فرضیه به دست می‌آید. بررسی ارزش‌های کسب شده توسط هر فرضیه نشان دهنده این است که از نظر کارکنان انتظامی شاغل در کلانتری‌های سرکلانتری شرق مشهد، وضعیت نور و روشنایی مؤثرترین عامل محیطی در وقوع سرقت منزل در محدوده این سرکلانتری بوده است و به ترتیب عوامل رؤیت و واپایش، اختلاط کاربری و در نهایت تراکم، جایگاه‌های بعدی را در میزان تأثیرگذاری بر سرقت منزل در محدوده مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه‌گیری

کسانی که مرتکب جرم و اعمال ناهنجار اجتماعی می‌گردند، پس از بررسی محیط‌های گوناگون و طبقه‌بندی آن‌ها از نظر خطر شناسایی و دستگیری، محیط‌های کم‌خطر را برای انجام عمل خویش بر می‌گزینند و بنابراین جرایم و انحرافات اجتماعی در یک محدوده‌ی مکانی رخ می‌دهند که مجرم با یک برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی با در نظر گرفتن جوانب دیگر کار به آن مبادرت می‌کند^۱ (پودرآتچی، ۱۳۷۶).

از سویی نتایج بسیاری از تحقیقات که در خصوص تأثیر گذاری عوامل محیطی بر پیشگیری از جرم انجام گرفته، حاکی از نقش مستقیم و مثبت عوامل محیطی بر کاهش میزان وقوع جرایم می‌باشد، به طوری که امروزه پیشگیری محیطی از جرم به یک اولویت در برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه اغلب کشورها تبدیل شده است و نتایج حاصل از اجرای این سیاست‌ها نیز بسیار رضایت بخش بوده است.

تاکنون تحقیقی انجام نپذیرفته است که نقش عوامل محیطی را در پیشگیری از وقوع جرم نفی کند، اگر چه ممکن است تأثیر آن در پیشگیری از برخی از جرایم از جمله جرایم خشونت آمیز کم رنگ تر باشد، اما به معنای نفی کلی اثر بخشی آن در پیشگیری از وقوع جرایم نمی‌باشد.

پیشنهادها

۱- مسئولان انتظامی سرکلانتری شرق مشهد باید نسبت به وجود شرایط جرم‌زا در محدوده استحقاطی خود حساس بوده و با انجام هماهنگی‌های لازم با ارگان‌های مربوط نسبت به بر طرف کردن این گونه معایب بکوشند؛ برای مثال تاریکی یک کوچه یا یک محله یا ضعف سامانه روشنایی آن، یک نقیصه و عامل تضعیف کننده نظارت عمومی و افزایش دهنده میزان وقوع جرایم محسوب می‌شود که مأموران انتظامی باید با گزارش سریع به مناطق یا ادارات برق مربوط نسبت به رفع آن اقدام کنند.

۱- پودر آتچی، مصطفی (۱۳۷۶)، فضاهای بدون دفاع شهری، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.

۲- مسئولان سرکلانتری شرق و فرماندهی انتظامی خراسان رضوی باید بازبینی (چک لیست) امنیتی را متناسب با ساخت و سازهای مسکونی تهیه و در اختیار متولیان امر شهر سازی، معماران و جامعه مهندسان شهر مشهد قرار دهند تا رعایت ضوابط حفاظتی و امنیتی در تهیه نقشه و ساخت ساختمان‌های مسکونی مورد توجه قرار گیرد.

۳- همکاری تنگاتنگ نیروی انتظامی استان با ارگان‌ها و سازمان‌هایی نظیر شهرداری‌ها، سازمان برق یا سازمان بهزیستی که در مدیریت شهر دخیل هستند، می‌تواند بر موفقیت این سازمان در مدیریت پیشگیری از جرم و کاهش جرایم بیفزاید.

۴- باید آموزش‌های لازم در خصوص شرایط محیطی جرم‌زا به کارکنانی که به طور مستقیم به پیشگیری از جرم می‌پردازند کارکنان شاغل در کلانتری‌ها، آگاهی، پلیس امنیت اخلاقی یا امنیت عمومی داده شود تا آنها در فعالیت‌های پیشگیرانه خویش مورد توجه قرار دهند و همچنین نسبت به رفع و اصلاح شرایط محیطی جرم‌زا اقدام کنند.

۵- ارائه آموزش‌های لازم به عموم شهروندان در خصوص مد نظر قرار دادن اصول حفاظتی و امنیتی در هنگام ساخت یا خرید منازل مسکونی می‌تواند نقش بسزایی در پیشگیری از سرقت منزل ایفا کند. شهروندان باید مجاب شوند که هزینه‌های جزئی که برای ایمن سازی منازلشان صرف می‌کنند در قبال خطرات و آسیب‌های ناشی از سرقت‌ها بسیار ناچیز است.

۶- گشت‌های انتظامی که خود عامل نظارتی و واپایش می‌باشند، باید در مکان‌هایی که کاربری‌های مختلط در آنها وجود دارد فعال تر شده و آموزش‌های لازم در این باره به کارکنان گشتی و انتظامی داده شود.

۷- استفاده از دوربین‌های مدار بسته در محوطه منازل مسکونی، به ویژه در آپارتمان‌هایی که به علت تراکم بالای ساختمانی جمعیت زیادی در آنها تردد می‌کنند می‌تواند هم در پیشگیری از جرم و هم در پیگیری و دستگیری سارقان احتمالی کمک شایانی به نیروی انتظامی کند.

۸- تهیه نقشه جرم در هر منطقه کمک شایانی به مأموران پلیس در راستای کشف نقاط ضعف محیطی و تقویت ابعاد امنیتی منطقه خواهد داشت.

منابع

- بوسار، اندرو (۱۳۷۵). **بزهکاری بین المللی**، ترجمه نگار رخشانی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- بهربر، سروش؛ محمد حسین احمدی و سید عزیز رفعتی (۱۳۸۸). «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در مدارس»، فصلنامه اندیشه انتظامی و مرز، سال چهارم، شماره ۱ و ۲.
- پودرآتچی، مصطفی (۱۳۷۶)، **فضاهای بدون دفاع شهری**، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری.
- پورجعفر، محمدرضا؛ هادی محمودی نژاد، مجتبی رفیعیان و مجتبی انصاری (۱۳۸۷)، «امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با استفاده از رویکرد طراحی محیطی»، نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، شماره ۶.
- خوش نمک، زهره (۱۳۸۰). «فضاهای بدون دفاع ناشناخته برای مسئولان شهری»، مجله شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۳۴.
- رحمت، محمد رضا (۱۳۸۸). «پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی»، تهران: انتشارات میزان.
- شایسته زرین، امیر (۱۳۸۷). «شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهریار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی.
- شرافتی، جعفر و نرگس عبدی (۱۳۸۷). «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۱). «جرم شناسی و جرم یابی سرقت»، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

- قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶). «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- میر خلیلی، سید محمود (۱۳۸۷). «توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از جرم»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳.
- نجابتی، مهدی (۱۳۷۹). «نقش طراحی صحیح واحدهای مسکونی در پیشگیری از وقوع جرم»، دو ماهنامه امنیت، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴.
- نیومن، اسکار (۱۳۷۱). «نقش طراحی شهری در ایجاد فضاهای قابل دفاع»، ترجمه نسیم ایرانمنش، ماهنامه شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۱.
- هاتفی اردکانی، حسین (۱۳۸۱). «مسائل و جرایم مالی و اقتصادی سرقت»، مقالات اولین همایش ملی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد ششم، تهران: انتشارات آگاه.
- Cozens, P.M., Saville, G., Hillier d., (2005), crime prevention Through Environmental Design, Property management, vol .23, No.15.
- Crowe, T(2000), crime prevention Through Environmental Design : Applications of Architectural Design and Space management Concepts, 2nd ed., Butterworth Heinemann, Oxford.
- Mayhehwb w .P.(1986), Crime in public view, Surveillance and crime Prevention in Environmental Criminology, Edited by brantingham, Beverly Hills, National crime prevention Institute Report, p119.
- Murry, C., (19940), The physical Environment in Crime, Edited by Wilson, San Francisco, Institute for Contemporary studies.